تورفتی و ضوابطی دل ما رو شکوندی

عزای انگلیس، آلمان، فرانسه و آمریکا برای یک جاسوس

چگونه اتباع کشورهای دل‌نازک را مجازات کنیم؟

فرزانه صنعتی

هفته پیش علیرضا اکبری، جاسوسی که تابعیت دوگانه ایرانی- انگلیسی داشت، اعدام شد. اینک هفت روز است فرزندان آن مرحوم، چهره مهربان بابا را ندیده‌اند و چند روز است اربابان انگلیسی او گزارشات جاسوسی‌اش را دریافت نکرده‌اند. این وسط، آلمان و فرانسه و آمریکا نیز خود را در غم انگلیس شریک دانسته‌اند و با درج آگهی، پخش تراکت و ارسال تاج گل، اعدام اکبری را وحشیانه خوانده و محکوم کرده‌اند. کار به جایی رسیده که احتمالا الان زن و بچه اکبری دارند آب قند دست وزرای خارجه این کشورها می‌دهند و می‌گویند به خدا آن مرحوم هم راضی نیست شما اینطور خودتان را تکه پاره کنید.

در واقع وجدان هم حکم می‌کند هنگام اعدام جاسوسان دوتابعیتی فقط به آن نصفه‌ای که تابعیت خودی دارد نگاه نکنیم و هوای آن نصفه دیگر را داشته باشیم. بالاخره بعضی کشورها دل نازکی دارند و از مردن آدم‌ها ناراحت می‌شوند. در ادامه راهکارهایی برای اعدام جاسوسان ارائه می‌دهیم تا کشورهای اروپایی اینجور وقت‌ها کمتر دردشان بگیرد.

۱- برای جاسوس تابعیت سومی جور کنید

با یک کشور خاورمیانه‌ای هماهنگ کنید، به شکل صوری هم که شده به جاسوس تابعیت بدهند. اگر نشد، از کشورهای آفریقایی پرت و فقیر بیچاره هم می‌توانید کمک بخواهید. بعد که تابعیت را گرفت اعدامش کنید. تاریخ نشان داده کشورهای اروپایی با این که خیلی نایس و مهربانند ولی مردن اتباع بعضی کشورها زیاد اذیتشان نمی‌کند.

۲- به جاسوس گرسنگی بدهید

از گرسنگی مردن، از آن مرگ‌هایی است که انگلیسی‌ها به آن حساسیت ندارند. به جای اعدام با روش‌های معمول، به جاسوس غذا ندهید تا خودش از گرسنگی بمیرد. حتی می‌توانید صبر کنید جاسوس‌ها چندتا بشوند و دسته‌جمعی به این روش اعدام‌شان کنید و خاطرجمع باشید انگلیس غصه نمی‌خورد. سال ۱۲۹۶ انگلیسی‌ها این روش را امتحان کردند. با قحطی‌ای که در ایران ایجاد کردند باعث مرگ ۱۰ میلیون نفر شدند و اصلا هم درد نداشت.

۳- یک پولی به پرنس هری بدهید برود طرف را راحت کند

پرنس هری در خاطراتش نوشته زمانی که در افغانستان سرباز بوده ۲۵ نفر را کشته است. در ادامه هم گفته نه به این موضوع افتخار می‌کنم نه از آن شرمنده‌ام (این هم از تواضعش است، اگرنه خیلی هم باید افتخار کند. بالاخره به سرباز جماعت مگر چقدر اسلحه و امکانات می‌دهند؟ در حد خودش خیلی هم خوب ظاهر شده). نکته اینجاست که خانواده سلطنتی و مقامات انگلیس هیچ ناراحتی‌ای از این بابت نشان نداده‌اند. شاید هم چون هری جنایات وحشتناکی از قبیل ازدواج با یک رنگین‌پوست را انجام داده این کارهایش دیگر به چشم نمی‌آید (هر چند بعید نیست در خفا گوشش را پیچانده باشند که مرد حسابی کشتن ۲۵ نفر اصلا گفتن دارد که توی خاطراتت می‌نویسی؟ باز ۲۵۰ نفر بود یک چیزی!) به هر حال اگر هری کسی را بکشد ظاهرا از نظر اروپایی‌ها اشکال ندارد.

۴ - قـول بدهید جاسـوس را بعد از اعـدام مومیایی می‌کنید

وجود چندهزار جمجمه در موزه‌ای در پاریس، که بیشترشان هم یادگار سال‌های استعمار الجزایر است، نشان می‌دهد مردن افراد به خودی خود برای فرانسوی‌ها ناراحت‌کننده نیست، آنها از این ناراحتند که جمهوری اسلامی بدجنس تنها به اعدام مجرمان اکتفا نمی‌کند، بلکه آنان را با بی‌رحمی تمام، دفن هم می‌کند! آخر این درست است جنازه‌ای را که می‌شود در موزه گذاشت، اینطور اسراف کنند؟ خدا را خوش می‌آید؟ اگر جمهوری اسلامی جنازه مومیایی شده را به فرانسوی‌ها تحویل بدهد تا خودشان به دلخواه آن را تکه‌تکه کنند و به نمایش بگذارند حتما ناراحتی‌شان کمتر می‌شود.

سید محمد صفایی نویسی

عزای انگلیس

برای مرگ یک جاسوس مشهور
که ام‌آی‌سیکس را بوده است مامور
که چون مرده جبینش بود ممهور
و شد اعدام و با سر رفت در گور

گرفته مجلس ترحیم و تدفین
راجای انگلیس این Fox منفور

برای اکبری مزدور نادان
که داده اطلاعاتی فراوان
به دست دشمنان خاک ایران
عزادار است و گشته بس پریشان

سرور و بزم‌شان ایضاً به هم خورد
پس از اعدام آن جاسوس مزدور

فراخوانده سفیرش را به لندن
برای خرسواری قبل مردن
یکی الان و آن یک گفته بعداً
یکی از فاضلاب آن یک ز معدن

خلاصه باز هم رو گشته دستش
که این سان در تکاپو گشته ناجور

پس از له گشتن این ظرف رانی
به زیر پای شیران ناگهانی
و بعد از رفتنش بر دار فانی
کک افتاده به تنبان فلانی

که فکر روزهای بعد از این است
لذا هی می‌زند کنج دلش شور

فاطمه بحرکاظمی

فرار نمی‌کنند که!

تشکل «مؤدّیان لیز» که با هدف مبارزه با زورگویی‌های مالیاتی به‌وجود آمده‌است، در پی انتشار خبری با عنوان «فرار مالیاتی هشتصدوهشتادوپنج هزار شخص حقیقی و سه‌ونیم میلیون شخص حقوقی در سه سال گذشته»، با انتشار بیانیه‌ای ضمن تکذیب آمار فرار مالیاتی یادشده، با ذکر دلایلی، مواردی را که از نظر نظام مالیاتی کشور، فرار مالیاتی محسوب می‌شود، نفی کرد. بخشی از متن بیانیه مذکور بدین شرح است:

- چنانچه مؤدّی اسناد، مدارک و دفاتر را براساس واقعیت تنظیم نکند و به فاکتورهای صوری استناد نماید، به‌خاطر این است که دچار فوبیای چشم‌نظر است. در این شرایط بد اقتصادی، اگر مؤدّی هنگام بررسی اظهارنامه‌اش چشم بخورد و در فعالیت اقتصادی‌اش متضرر شود، آیا سازمان امور مالیاتی بعدش می‌آید برای مؤدّی جبران ضرر نماید؟! هر راست نشاید گفت که آقا!

- اگر مؤدّی فعالیت اقتصادی یا درآمد حاصل از آن را کتمان کند، برای پرهیز از غرور است. این دسته از مؤدّیان برای اینکه از فعالیت اقتصادی خود مغرور نشوند، حتی آن را برای خودشان هم کتمان می‌کنند. طفلکی‌ها حتی خودشان هم خبر ندارند که چقدر درمی‌آورند. آنان هر بار که یادشان می‌آید یک مؤدّی مالیاتی شناخته شده‌اند، سریع می‌خوابانند توی گوش خودشان و به خود نهیب می‌زنند که «تو هیچ‌چی نیستی! هیچ‌چی!»

- یک مؤدّی که معاملات و قراردادهای خودش را با نام دیگران تنظیم می‌کند یا برعکس، به‌خاطر مرام مَشتی‌اش است. تأثیر بسیار عمیق شنیدن عبارت «داش خودمی! جیب من و جیب تو نداریم که!» باعث شده‌است «اسم من و اسم تو نداریم که!» را سرلوحه فعالیت‌های اقتصادی خود قرار دهند. فعال اقتصادی مَشتی، مجرم مالیاتی نیست!

- چنانچه مؤدّی از کارت بازرگانی دیگران استفاده می‌کند، به‌خاطر این است که اهل سوسول‌بازی نیست. این دسته از مؤدّیان حتی دندان خود را هم با مسواک دیگران تمیز می‌کنند، کارت بازرگانی که دیگر جای خود دارد.

این تشکل در بخش پایانی بیانیه خود، ضمن تصریح بر ضرورت اینکه تمام مؤدّیان مالیاتی باید در چنگ نظام مالیاتی ظالمانه کشور، همچون ماهی لیز باشند، تلاش برای تصویب یکی از هولناک‌ترین شیوه‌های زورگویی مالیاتی، یعنی «مالیات بر عایدی سرمایه» (CGT) را به‌شدت محکوم کرد.

احمد رفیعی وردنجانی

نمک نشناس

نابود شده هر که به شیطان شده مُلحَق
یا گر نشده می‌شود این قصه مُحقَق
هرکس که نمک خورد و نمکدان‌شکنی کرد
در قعر جهنم شود از پاش مُعلّق
هرکس که خیانت به وطن کرد گواراش
آن آب که از چاه کثافت شده مشتق
خوشمزگی نان وطن باد حرامش
هرکس که ز نان پاره دشمن بزند سَق
البته که باید بشود کنده ز ریشه
آنگاه که دندان سیاهی بشود لَق
تیری به ستمگر زده ایران من امروز
پیداست به جا خوردنش از این همه وق وق
خاموش که آلودگی دست شماها
از خون ستمدیده رسیده ست به مِرفَق

صامره حبیبی

گاری سرنوشت

تقدیر از من از دماغ گاری
تا بوده همیشه بوده جاری
من جوجه کلاغ زشت بودم
در قامت خوشگل قناری
به گربه نره به موش و کفتار
دادم به هزار فن، سواری
گفتند ببین خره! تو شاهی
البته به شرط چشم و آری
بحرین که چون عروسکی بود
گفتند بده به یادگاری
افسار به دست‌شان سپردم
کردم به خودم چه افتخاری
مردم ولی آش و لاش و ذله
از دست من و فریبکاری
سوراخی پول بی‌زبانم
آورد مدال بزبیاری
با تو دهنی «پیر» مردم
از ترس پریدم اضطراری
یاران محل سگم ندادند
وقتی که شدم سوار گاری
از خوردن نفت، شاد و شنگول
بی هوش ولی به وقت یاری
با پای خودم نه! پای قرضی
فوری شدم از وطن فراری

فریبا رئیسی

فرار شاه در دی‌ماه

می‌روم سفر

هوا برای تنفس چقدر کم شده است
تمام سهم من از آنچه هست سم شده است
هوای آخر دی بی‌دلیل آشفته است
نگاه سرد زمستان اسیر غم شده است
هوا پس است روم تا کمی هوا بخورم
ببین که این ریه‌ام غرق دود و دم شده است
برای این دو سه روزِ سفر برم با خود
خزانه را که نهایت دو تا قلم شده است
طلا، زمرد و الماس و ارز و دیگر هیچ
و شاه بانوی خود را که همدمم شده است
هوا که خوش شد و آن غائله کمی خوابید
خبر دهم که به کی سال‌ها ستم شده است

محمدرضا رضایی

یک نامه محرمانه از دربار

فرار قبل از اعلیٰ حضرت ممنوع

از: دربار همایونی
به: تمام چاکران و نوکران همایونی در تمام سطوح

با توجّه به فرار قریب‌الوقوع همایونی، لازم است تمام خادمان اعلی‌حضرت از آبدارچی گرفته تا نخست‌وزیر و دوم‌وزیر و سوم‌وزیر و... خلاصه هرکسی که از خدمت به ملّت خسته شده و قصد استراحت طولانی دارد، نکات ذیل را رعایت نمایند:

۱. تا زمانی که تمام چمدان‌ها، کیسه‌ها، خلیته‌ها، جیب‌ها و حتّی جوراب‌های مبارک اعلی‌حضرت و سایر اعضای خاندان سلطنتی پر از طلا و ارز و سکه و جواهر نشده، هیچ‌یک از مقامات مملکتی حقّ نزدیک شدن به خزانه مملکت را ندارند. بعداً که اعلی‌حضرت رفتند، ما خودمان هرچه را باقی بماند، به عدالت بین چاکران و دستبوسان تقسیم می‌کنیم.

۲. مقاماتی که اجازه پیدا کرده‌اند به اروپا و آمریکا و... پناه ببرند، ابداً از این موضوع پیش اعلی‌حضرت حرفی نزنند. طفلی اعلی‌حضرت فعلاً فقط اجازه دارد در مصر فرود بیاید و اگر بشنود شماها می‌توانید به اروپا بروید، دلش می‌سوزد. پس هرکس اعلی‌حضرت ما را جز دهد، با پای خودش برود ساواک و خودش را تحویل بدهد.

۳. لازم است تمام مقاماتی که مسیرشان می‌خورد، برای بدرقه شاهنشاه به فرودگاه بیایند و ضمن دست‌بوسی و پابوسی، به ایشان امیدواری دهند که خیلی زود اوضاع آرام خواهد شد و اعلی‌حضرت هم برخواهند گشت. اشک و ناله و ضجّه هنگام خداحافظی فراموش نشود.

گفتنی است رعایت نکات بالا، در تقسیم عادلانه طلا و جواهرات خزانه بی‌تأثیر نخواهد بود.

هانیه سادات حسینی‌زاده

درذکرشاهِ فرّار

آن پیشوای مکتب فرار، آن دست‌آموز فرمانبردار، آن زبان‌دان، آن بسیار معتقد به قدرت زنان، پایه جشن‌ترین مرد سپهر، اعلی‌حضرت شاهنشاه آریامهر - ضَرَبَ الله علی کَمَره - قریب به ۴۰ سال به سلطنت مشغول بود و به شاگرد اولی در کلاس اجنبی مشهور بود.

گویند روزی او را دیدند که تاجی کوچک بر سر نهاده سه و نیم برابر کله و با اندک طلا و نقره و یاقوت و مروارید و الماس و مخمل و قس علی‌هذا به غایت ساده نمودندی. پس دیدند تشریفات مراسم به ظرافت به جا آوردی. او را گفتند که چون است؟ فرمود: دیدم از آداب پادشاهی باقی را نتوانم، پس این یک را به صلاح ملت، به انجام رسانم.

نیز نقل است که پیوسته چند چمدان آماده داشتی و گفتی: «باید همیشه آماده رفتن بود که عمر دنیا معلوم نمی‌کند مر آدمی را!» پس مریدان سر به سنگ شرمندگی ساییدند که به سبب کشتار فراوان و جشن‌های بریزان و بپاشان و حمایت ساواک و غارت اموال و املاک، ظن ناروا به وی بردند و به جهت اندوه، تا ۲۶ ماهِ دی سنه ۵۷ شمسی، سر از سنگ، همی برنداشتندَ تا صدق وی به تمامی دریافتند.

ابن بَحران گوید: «چون بحرین به دخالت بلاد انگلیسیّه از ایران جدا گشت، شاهنشاه تبریکی فرستاد مر شیخ بحرین را. سبب از او پرسیدند. پس فرمود: «روا نباشد دختری، عروس غریبه کنی و تبریک نگویی؛ مباد که دختر با خوارشوهر و جاری و این‌ها روزگاری سخت یابد.» پس دهان‌ها همه از حکمت این کار بر زمین افتاد.

نیز گویند روزی بر روی تختِ دارالشفا در مصر، برای بازگشت به تخت سلطنت تمرین کردی و گفتی: «کورشا، آسوده بخواب که ما همی مر...» ناگاه مرگ وی را در بر گرفت، پس لحظه‌ای از تن مفارقت جُسته، کورش را دید که وِرد «کاپیتولاسیون» بر لب، نظری عاقل اندر سفیه بِه وی افکندی. ولی کم نیاورده، بازگشت و فرمود: «بیداریم...» و مُردا جِزّ الله جیگرَه و قَلّ الله شرّه.

علی زارع

مشت خبرنگار

طاهره ابراهیم‌نژاد

افتاد به دام و کله‌پا شد جلاد
حیثیت روباه چه بد رفته به باد
ای صاحب لاف‌های دائم به کمین
با شیر دوباره در نیفتید، افتاااد؟!

مرضیه قاسمعلی

شده صاحب عزا دنیا، برای یار غارش
همان که بوده یک قاصد فقط، در طول کارش
به یاران می‌سپرده اطلاعات خودش را
که می‌داند زکات علم باشد انتشارش!

احد ارسالی

لجن در قعرِ اقیانوس باشی
چو استفراغِ اختاپوس باشی
خوراکِ سگ شوی، بهتر از اینکه
علیه کشورت جاسوس باشی

ناهید رفیعی

بیچاره چه‌کار کرده جز جاسوسی؟!
یک ذره وطن‌فروشی و سالوسی !
کشتید قمه‌کشان و جاسوسان را!!
کافی است دگر شیوه دقیانوسی!

صامره حبیبی

جاسوس شدی به‌خاطر دنیایت
جاسوسک‌ترین کشور دنیا، جایت
در قعر جهنم رفقا منتظرند
دیگر نگذارد ملکه تنهایت

ابوالقاسم سبقی

پیداشان می‌کنیم حتی در ماه
بیرون آریم‌شان شده از ته چاه
مایی که به قبر ملکه تف کردیم
جاسوسانش را هم ان‌شاءالله

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: اعظم‌سادات موسوی
دبیر سرویس شعر: عباس تافته
دبیر سرویس کارتون و فنی: سید محمدجواد طاهری

راه‌های ارتباطی
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!